

نگاه هفته

موافقت محتاطانه روسیه برای همراهی با اوپک



سعيدة شفيعی، پڑھشگر اقتصادی

● روز یکشنبه در واکنش به اظهارات وزیر انرژی روسیه مبنی بر تعهدنداشتن این کشور برای کاهش تولید نفت، قیمت‌ها با اندکی کاهش مواجه شدند اما روز دوشنبه هم‌زمان با اعلام موافقت رئیس‌جمهور روسیه با طرح فریز نفتی، سطح قیمت نفت برنت به ۵۳ دلار و ۱۸ سنت افزایش یافت، در روزهای پایانی هفته نیز قیمت‌ها در پی اعلام خبری مبنی بر افزایش سطح ذخیره‌سازی در آمریکا با کاهش مواجه شدند.

۳شاخص اصلی قیمت نفت

قیمت نفت «برنت دریای شمال» (Brent) در نخستین ساعات روز جمعه چهاردهم اکتبر، ۵۲ دلار و سه سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، ۴۸ سنت کاهش یافته است. شاخص «نفت وست تگراس اینترمدیت» (WTI) نیز در همین روز ۵۰ دلار و ۴۴ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، تغییری نشان نمی‌دهد.

همچنین بنا بر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سید نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) - که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است- در پایان روز پنجشنبه سیزدهم اکتبر به ۴۸ دلار و هفت سنت رسید که نسبت به روز مشابه هفته گذشته، ۲۳ سنت بالاتر است.

پیش‌بینی‌های بازاری

بنا بر گزارش‌از خبرگزاری بلومبرگ، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) اعلام کرد در صورت پایبندی اوپک به طرح کاهش تولید نفت، بازار زودتر از زمان پیش‌بینی‌شده به تعادل خواهد رسید و در سال ۲۰۱۷ عرضه با تقاضا هماهنگ خواهد شد اما در غیر این صورت مازاد عرضه در بازار ادامه‌دار خواهد بود. این سازمان سطح تولید کنونی اوپک را بیشترین میزان در تاریخ عنوان کرد اما پیش‌بینی کرد با اجرای طرح فریز نفتی از سوی اعضای اوپک، مازاد عرضه در بازار کاهش خواهد یافت. همچنین مدیرکل این نهاد بین‌المللی در کنفره جهانی انرژی در استانبول اظهار امیدواری کرد با اجرای این طرح، قیمت نفت افزایش یابد. دبیرکل اوپک نیز در سخنانی اعلام کرد پس از توافق کشورهای عضو اوپک انتظار می‌رود میزان نفت خام انبارشده در بازار به‌سرعت کاهش یابد و تعادل در بازار نفت برقرار شود.

موافقت محتاطانه روسیه برای همراهی با اوپک

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در سخنان خود در کنفره جهانی انرژی از تصمیم اوپک در جهت کاهش تولید حمایت کرد، به گزارش فارس، وی مهارت و کاهش تولید نفت را در شرایط کنونی سبب تثبیت بازار دانست اما اضافه کرد مسئولان نفتی این کشور باید به بررسی این طرح بپردازند و روسیه ترجیح می‌دهد میزان تولید نفت خود را ثابت نگه دارد.

پیشهاد فروش نفت به مصر از سوی ۳ کشور

شرکت ملی نفت عربستان (آرامکو) در پی اختلافات به‌وجودآمده با رای دولتمردان مصر در شورای امنیت، صادرات ۷۰۰ هزار تن فرآورده‌های نفتی به این کشور را از ماه جاری میلادی قطع کرد، به گزارش پایگاه میدل ایست مانیتور به نقل از نشاا، در پی این تصمیم، سه کشور روسیه، ایران و ونزوئلا در پی آن هستند تا به این کشور نفت و فرآورده نفتی صادر کنند. لازم به ذکر است عربستان حدود ۴۰ درصد از نیازهای وارداتی مصر به نفت و فرآورده‌های نفتی را تأمین می‌کرد.

رشد تولید نفت ایران و اوپک

دبیرخانه اوپک در آخرین گزارش ماهانه تحولات بازار نفت خود اعلام کرد تولید نفت این سازمان در ماه سپتامبر سال جاری میلادی ۲۰۰ هزار بشکه افزایش به ۳۳ میلیون و ۳۹۰ هزار بشکه در روز رسیده است. رشد تولید عراق، نیجریه و لیبی دلیل اصلی این افزایش عنوان شده است. همچنین در بخش دیگری از این گزارش آمده است متوسط تولید نفت ایران در ماه مذکور سه‌میلیون و ۶۶۵ هزار بشکه در روز بوده است که این رقم نسبت به ماه اگوست ۳۱ هزار بشکه افزایش نشان می‌دهد. علاوه بر این، براساس آمار منتشرشده از سوی وزارت بازرگانی زاین، صادرات نفت ایران به این کشور در هشت‌ماهه اول سال جاری میلادی به ۲۱۶ هزار بشکه در روز رسیده است که نسبت به هشت‌ماهه سال گذشته، حدود ۲۶ درصد رشد دارد.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت شاخص اسپات هنری هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به چهاردهم اکتبر، سه دلار و ۱۷ سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شد که نسبت به هفته گذشته، ۳۳ سنت رشد نشان می‌دهد.

امضای قرارداد خط لوله «ترک‌استریم»

در حاشیه کنفره جهانی انرژی، سران دو کشور روسیه و ترکیه قراردادی مبنی بر ساخت خط لوله زیردریایی انتقال گاز امضا کردند که قرار است بخش بزرگی از گاز روسیه را به اروپا برساند. به گزارش خبرگزاری رویترز، عملیات اجرایی ساخت این خط لوله از اواخر سال گذشته میلادی به دلیل تنش در روابط دو کشور متوقف شده بود. خط لوله ترک استریم که جایگزینی برای خطوط انتقالی اوکراین خواهد بود، قادر به انتقال سالانه ۶۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی است.

شرق؛ پایان بندی برای تحریم ایران وجود ندارد. درست در اوج تحریم‌ها، اسرار تجاری ایران لورفت. اسراری که ۱۲۰ سال از زمان قاجاریه تا سال ۸۵ در بین تاجار ایرانی محفوظ بود و دیگر افشا شده است. محمد بحرینیان، کارشناس اقتصادی و عضو شورای پول و اعتبار، از بحرانی می‌گوید که در دوران تحریم گریبان اقتصاد ایران را گرفت اما به قول او «گرمیم و هنوز جراحات عمیق آن را حس نمی‌کنیم». بحرینیان از افشای اسرار تجاری بیش از یک سده گذشته ایران از سوی افراد بی‌ریشه می‌گوید: «ایران از زمان قاجاریه تاکنون با جهان مبادلات تجاری داشته است و در این میان اسرار تجاری هم در کار بود. چیزی در حدود ۱۲۰ سال. از سال ۱۳۸۵ به بعد و به‌ویژه از سال ۱۳۹۰ (دقیقا در اوج تحریم‌ها) اسرار تجاری کشور به‌صورت کنترل‌نشدنی در دست چهار کشور هند، امارات، ترکیه و چین قرار گرفت». به گفته این پژوهشگر اقتصادی، این اتفاق یک دسیسه از سوی آمریکا بود که ما نیز به راحتی در دام آن گرفتار شدیم؛ «این کاری است که آمریکا به‌صورت خزنده و موزیانه‌ای انجام داده است. اما ما هم در دامش افتادیم. اسرار تجاری ما به دست دیگران افتاد. ظنری که وجود دارد این است که بی‌ریشه‌ها می‌توانند عامل دیگران شده و به این بازار ورود پیدا کنند چون مسیرها را شناخته‌اند، منتها کسی به این قضیه توجه نکرده است. حالا ریشه‌دارها کنار می‌روند و افراد استخدامی یا بی‌ریشه‌ها در ظاهر به‌صورت عوامل شرکت‌های خارجی می‌توانند وارد شوند و نمایندگی منافع آنان را با قربانی کردن منافع ملی بر عهده بگیرند...؛ البته او معتقد است مشکل اصلی اقتصاد ایران، تحریم نبود، چرا که اگر عاقل‌تر بودیم، می‌توانستیم در دام تحریم هم نیفتیم». او

می‌گوید در سال‌های طولانی با وجودی که بارها مشاوران هارواردی به ایران هشدار داده بودند که بازار و مستغلات در ایران اجازه نمی‌دهند توسعه صنعتی در ایران ایجاد شود و بر همین اساس بخش‌های مولد از سوی غیروملوها بلعیده می‌شوند، اما هیچ‌کس در ایران به این نکات توجهی نکرد، درحالی‌که در همان زمان کسر، از پژوهش‌های آنها بهره گرفت و اکنون به یک کشور توسعه‌یافته ارتقا یافته است. به گفته این فعال اقتصادی، بازار، رقیب اصلی تأمین مالی صنعت در ایران است. او در قسمتی از سخنان خود به پژوهش‌هایش در این رابطه نگاهی می‌اندازد: «... قیمت خدمات بازار به حدی است که نظام اقتصادی را از توان می‌اندازد؛ به‌عبارتی وجود بازار باعث می‌شود قیمت سرمایه برای تولیدکنندگان متقاضی سرمایه افزایش یابد. بازار را می‌توان نوعی مخمصه مالی در مسیر پیشرفت صنعتی و نوعی بازگشت به گذشته در قرن بیستم محسوب کرد. در واقع بازار در خودش خلق اعتبار می‌کند که خارج از نظام بانکی است، یعنی دولت روی آن کنترلی ندارد. به همین دلیل است که بازار همیشه دولت‌ها را زمین می‌زند».

چرا با اینکه منابع مستمرا به اقتصاد کشور تزریق می‌شود، تأثیر ملموسی در اشتغال و تولید ندارد؟ در دفتر پژوهش‌های اقتصاد و توسعه اتاق مشهد، پژوهشی انجام دادیم تا دریابیم چقدر در اقتصاد کشور هزینه کرده‌ایم. برای این منظور درآمدهای حاصل از نفت و گاز، اعتبارات جاری، اعتبارات عمرانی و تسهیلات نظام بانکی منابعی بودند که شناسایی کردیم. این منابع هم رانی و هم ارزی بود. اولین سرشماری مالی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ شروع شده است. بررسی کردیم بین سال‌های ۳۵ تا ۸۵، چقدر اشتغال ایجاد شده است که البته به‌طور نسبی مداوم افزایشی بوده، اما شاهدیم که از سال ۸۵ نمودار ایجاد اشتغال، خطی شده است. می‌توان با شاخص‌های متعدد نشان داد دیگر با این ساختار بوروکراسی ناتوان و این‌گونه نظام تصمیم‌گیری تزریق می‌کنیم، دیگر احتمال ایجاد اشتغال بسیار ضعیف است. همچنین به دلیل اشتباهات طرح‌ناک در قانون‌گذاری‌ها، کیفیت اشتغال هم برهم خورده است. اینجاست که مشخص می‌شود چرا هر کاری هم که دولت انجام می‌دهد، پایداری نداشته و اثر ملموس و پیش‌بینی‌پذیری هم امکان مشاهده نداشت و نخواهد داشت. در واقع قطعا می‌توان مشکل را حل کرد و اثرات درخودماندگی طاقت‌فرسای اقتصاد را به مسیر پیشرفت کشاند، اما نه با این مسیر متعارف و ناصحیحی که چندین دهه است داریم ادامه می‌دهیم. راه‌حل، بازگشت به همان مسیری است که گروه مشاوران دانشگاه هارواردی در چند دهه پیش گفتند، اما گوش شنوا و اراده‌ای برای آن وجود نداشت و به نظر می‌رسد هنوز نیز وجود ندارد. گروه هاروارد پس از ایران به کره رفتند. گروه‌ای‌ها بلافاصله تجارب آنها را به کار گرفتند و با ایجاد گروه (Economic Planning Board) مجزای از دولت و مجلس فعالیت می‌کرد، به اصلاح اساسی ساختاری در کشور خود پرداختند و ساختار پیوسیده قبلی را از بیخ‌وین برهم زدند. اما در ایران با تغییر دولت‌ها و مجالس، همواره با تغییر سیاست‌ها مواجه هستیم و این آفت در کنار فقر نظری کاربردی توسعه، به‌طور مؤثری سبب ناکارآمدی تصمیم‌های اقتصادی کشور شده است. متأسفانه همین دور را

اقتصاد

بحرینیان در گفت و گوبا «شرق» دوباره از بلای تحریم گفت

اسرار تجاری ایران افشا شد

بازار در ایران همیشه دولت ها را زمین می زند



عسگر، زینوفه رستمی، شرق

ادامه می‌دهیم. به همین دلیل بارها گفته‌ام باید نهادی فراقوه‌ای ایجاد کرد تا بتوان در مسیر صحیح توسعه و پیشرفت کام برداشت. خوشبختانه بر اثر فداکاری‌های کارشناسان رده‌میان‌ی دولتهای متعدد، در نبود تعهد از روی خلوص نیت به برنامه‌ریزی از سوی دولت‌ها و مجالس، ابزارهای مناسبی در کشور وجود دارد و به قول زنده یاد دکتر عظیمی نه می‌توان گفت توسعه یافته‌ایم و نه می‌توان گفت عقب‌مانده‌ایم.

آیا در شرایط کنونی ایجاد چنین نهادی ممکن است؟

ما نتایج تحقیقاتمان را باید اعلام کنیم، دیگران انجام داده‌اند و به نتیجه رسیده‌اند. در اینجا، اگر دلبستگی به پیشرفتی داریم که ملت بزرگ و کشورمان شایسته و مستحق آن هستند، باید اراده‌ای برقرار شود. بسیاری از کشورها چنین کردند و توسعه یافتند. پس از کره، تایوان، سنگاپور، مالزی و در نهایت چین نیز به تجربه موفق الگوی کره جنوبی جامه عمل پوشاندند و موفق شدند. این در حالی است که در ایران به این تجارب بهایی ندادیم و اکنون هزار قانون از زمان مشروطه به همراه بی‌شمار این‌نامه داریم که برخی از آنها هنوز هم معتبر است که با شرایط روز تطبیق ندارد و بوروکراسی فرتوت و ناکارآمد، کشور را در زمینه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی زمین‌گیر کرده است.

شما تا سال ۸۵ بررسی کردید که دولت اول احمدی‌نژاد را پوشش می‌داد. اگر دولت اصلاحات

ادامه پیدا می‌کرد باز هم این روند خطی می‌شد؟

بله، ریشه در جایی است که باعث می‌شود اجازه ندهد حرکت کنیم و این ریشه عمیق است و قدمت تاریخی دارد و ازاین‌رو این روند ادامه می‌یافت، گریم ده‌سال دیگر اتفاق می‌افتاد. فقط دولت قبل همچون کاتالیزوری با ارتکاب اشتباهاتی تأثیرگذار این روند را

تسریع و تحریم‌ها نیز عیوب پنهان را عیان کرد. البته نتیجه‌گیری نشود که تحریم‌ها عامل اصلی وضع فعلی است.

علت برهم‌خوردن کیفیت اشتغال چیست؟

نتیجه تحقیقات ما نشان داده در بخش‌هایی ورودی دو بخش ساخت صنعتی و ساختمان، سرمایه با کاهش روبه‌رو شده است. با این اتفاق، ۴۱۵ هزار اشتغال از صنعت در این سال‌ها کم شده که در سال‌های بعد کاهش بیشتری هم داشته، ولی هنوز آمار رسمی قابل اتکا نیست.

نیافته است. ۱۵۸ هزار اشتغال هم از بخش ساختمان و حدود ۲۹۸ هزار اشتغال از خرده‌فروشی و عمده‌فروشی هم کم شده. اما سرمایه ورودی در مستغلات، بالا رفته. تعجب‌آور است که در بخش غیرقابل طبقه‌بندی ۷۱۶ هزار اشتغال اضافه شده است؛ یعنی با کاهش اشتباهات گذاری در بخش‌هایی که ارزش افزوده تولید می‌کنند و افزودن سرمایه به بخش‌های غیروملد، با کاهش اشتغال روبه‌رو بودیم. از همین‌رو است که می‌گویم کیفیت اشتغال نیز در حال تزلزل است.

چرا این اتفاق افتاده است؟

در ایران، اجزای اقتصاد ملی را در بخش معادن که شامل استخراج زغال‌سنگ، نفت خام، گاز طبیعی، کانی‌های فلزی و فعالیت‌های خدمات آن است و در بخش ساختمان شامل ساختمان تجاری، احداث مدرسه، ابنه‌وسازی مسکن، ساخت منزل، سیلوسازی، احداث بزرگراه، تونل، جاده، سد و مترو می‌گنجانند. کشورمان در زمینه اقتصاد از زمان قبل از انقلاب قدم‌های اشتباه برداشته و جلو رفته است. گروه مشاوران هاروارد به ما یادآور می‌شدند اما ما توجه نکردیم. حساب‌های ملی کشورها و شاخص‌های متعدد آنها دقیقا نشان می‌دهد چرا تفاوت بین کره، چین، ژاپن، سنگاپور، تایوان و مالزی از یک طرف و از طرف دیگر اندونزی، ایران، هند، ترکیه و برزیل وجود دارد که یقینا در اینص مصاحبه نمی‌توان استنادات این‌چنینی را مورد مذاقه قرار داد. اخیرا در اخبار المپیک برزیل گفته می‌شد استرالیا گفته من اجازه نمی‌دهم

فکر و نوع اعتبارات آنها با بازار یکی است. بانک‌های تجاری و بازار در ایران هر دو در کار تأمین مالی تجارت، ساخت‌وساز و معاملات مستغلات فعالیت می‌کنند. ابزار مالی هر دوی آنها نیز عمدتا سفته بوده که نوعی برات رسمی با تزییل کوتاه‌مدت است. بانک و بازار، تقریبا بدون استثنا براساس وثیقه‌های بازرسی‌شده وام می‌دهند و در عمل هیچ‌گاه دغدغه‌ای بابت کاربرد وام، کارایی صرف وام و احتمال سودآوری کارآفرینان یا هرگونه ملاحظات مالی دیگر به ذهن خود راه نمی‌دهند». این اتفاقات اکنون نیز رخ می‌دهد. به همین دلیل است که برنامه‌ریزی در ایران اتلاف منابع و زحمات است یا در جایی می‌گوید: «اشتقاق بی‌حدوحساب کارآفرینان به تقلید از پیشگام در فلان صنعت که به شکل تأسیس مقلدانه و ناسنجیده از پیشگام، بدون بررسی ظرفیت بازار انجام می‌شود، در برخی صنایع منجر به اضافه‌ظرفیت حاد در آن مناطق و اشباع بازار شده است. حکومت قادر است با صادرنکردن جواز تولید از اینص وضعیت جلوگیری کند ولی تا امروز فقط به تحریک اشتقاق آن کارآفرینان سهل‌انگار پرداخته است. بحران‌های سرمایه در گردش از دیگر مصادیق برنامه‌ریزی ناقص است». این برداشت وی از دوره ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ بوده است. هم‌اکنون هم کشور در مقیاسی بزرگ‌تر گرفتار طرح‌های به غایت تکراری و دارای فناوری پایین است که گاهی از مشکلات کشور نخواهند گذود و متولیان صنعت هم مرتب بیر طبل ایجاد واحدهای جدید، تحت لوای فریننده واژه به‌ظاهر زیبای «رقابت»، اما بدون محتوا می‌کوبند یا سرمایه‌گذار خارجی را مرتبا تشویق به ورود می‌کنند، اما بدون برنامه دقیق.

آیا اکنون هم شرایط به همین ترتیب است. اگر راه‌حل همان است که بیان شده، چرا دولت هنوز هم مجوزهای پرشمار می‌دهد؟

دقیقا مشکل همین‌جاست. به این نمونه توجه کنید. درحال‌حاضر ۹۸۵ واحد فرش ماشینی دارای پروانه بهره‌برداری در کل کشور داریم و ۲۸۵ واحد هم در دست اجراست. در هیچ جای دنیا، حتی چین، این‌طور نیست. در تمام زمینه‌ها در چنین دامی گرفتار شده‌ایم. مثال‌ها فراوان و تأسف‌آور است. یک مثال دیگر تعداد واحدهای فولادی (انواع فولاد) است که ۶۱۲ واحد دارای پروانه بهره‌برداری و ۸۲۸ واحد در دست اجرا، البته طبق لوح فشرده وزارت صمت در سال ۱۳۹۳، و همین‌طور سایر واحدهای صنعتی.

یعنی کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، تحقیق نمی‌کنند؟

به‌ندرت. از طرف دیگر واضح‌نبودن آمارهای اعلامی است، چون دولت‌ها عموما در این زمینه توجه کافی ندارند. اگر برای مثال، به همین لوح فشرده اشاره بایفاده مراجه کنید، خواهید دید استخراج اطلاعات تا چه حد مشکل و غیرحرفه‌ای است. از طرف دیگر گروه‌های ذی‌نفعی نیز نمی‌خواهند تولید در اینجا با بگیرد و مرتبا علائم غلط تحت لوای واژه‌های به‌ظاهر منطقی و ظاهرالصلاح به جامعه می‌دهند. جریان گروه ذی‌نفعی که منافعشان از بازار ایجاد می‌شود، جلو توجه نمی‌گیرند. در ایران مدام می‌گویند تولید با ایجاد رقابت، اما رقابت یعنی چه؟ چرا در ایران تعداد بالایی از واحدهای صنعتی داریم؛ با واحدهای خدماتی همچون بانک و شرکت هواپیمایی داریم اما رقابت ایجاد نمی‌شود؟ اما در کره برای تولید تلویزیون فقط سامسونگ و ال‌جی وجود دارد. اما رقابتی نیست؟ پس ما چرا ۲۸ واحد دارای پروانه بهره‌برداری ساخت تلویزیون هستیم باید دنیایی را تأمین می‌کردیم؟ چرا با کلی‌گویی علائم غلط به جامعه می‌دهید؟ ما به‌دنبال یک اقتصاد بازار توسعه‌ای هستیم نه دولتی‌سازی. آنچه در قالب بازار در ایران به دنبال آن هستیم، یک اقتصاد ما دارنم بی‌دروپیکر است و اصولا بازار به معنای واقعی نداریم. اقتصاد بازار واقعی بعد از توسعه اتفاق افتاده است. مدام می‌گویم اقتصاد بازار که رقابت آن را شکل می‌دهد، چرا در تایوان مثلا یک موبایل‌ساز (HTC) وجود دارد یا دو خودروساز بزرگ در کره حضور دارند؟ رقابت در ایران با رقابت در آلمان متفاوت است. وقتی تعریف درست‌ی از رقابت نداریم، ذی‌نفعانی که می‌خواهند سوءاستفاده کنند، علائم غلط می‌دهند. ما این ذی‌نفعان را از زمان قاجاریه داشتیم و رضاشاه هم از عهده‌شان برنیامد. اینها عمدتا واردکننده هستند. همین امر سبب شد در ایران بازاری غیروملد شکل بگیرد که مبتنی بر واردات و مولود تولید خارج است. این ذی‌نفعان که به این بخش‌ها می‌رود. این ساخت صنعتی (Manufac-ture) بیشترین اثرها را می‌تواند در ارتباطات قبلی و بعدی ایجاد کند. بعد از بخش صنعت که اشتغال به‌ویژه غیرمستقیم مولد ایجاد می‌کند، کشاورزی می‌تواند محرک اقتصادی باشد و رشد و انگیزه سرمایه‌گذاری ایجاد کند. ما در این موارد از منابع استفاده نمی‌کنیم. آنچه هم که استفاده کرده‌ایم، ناکارآمد شده‌اند. این نوع عملکرد تا دهه ۹۰ هم ادامه داشته است، زیرا محاسبات ما براساس جداول داده- ستانده سال ۱۳۹۰ که از سوی مرکز پژوهش‌ها تهیه شد، همین واقعیت را نشان می‌دهد.

دلیل این اتفاقات تعدمی بوده یا از روی ناگاهی؟

هم تعمد، هم ناگاهی و هم تقلید. ما دانش

فقهیه را نداریم و مدام کپی‌برداری کرده‌ایم. مثلا حرف از اقتصاد دانش‌بنیان می‌زنیم و نمی‌دانیم اقتصاد دانش‌بنیان بعد از توسعه‌یافتگی اتفاق می‌افتد. ما در مرحله بدوی توسعه هستیم و توسعه‌یافتگی نداریم.

بازار و مستغلات اجازه نمی‌دهند توسعه صنعتی در ایران ایجاد شود. همچنین دچار فقر نظری و به‌ویژه نوع کاربردی آن هستیم.

منظوران از بازار کدام بخش است؟

ریچارد بندیک از گروه هاروارد در کتاب تأمین مالی

صنعت ایران گفته «ایرانی‌ها به‌خوبی فهمیده‌اند که تنها فرق مهم بین بازار و بانک تجاری امروزی در ایران

همان ساختمان‌های بزرگ و مجلل بانک‌هاست. این حرف‌ها مبالغه نیست». بانک‌ها از دل همان ساختار

تجارت پول بازار سربر آورده‌اند و حتی امروزه هم طرز

اقتصاد سبز

ضرورت توجه به خاک برای توسعه کشاورزی پایدار



فاطمه باسیان، کارشناس کشاورزی

● خاک به قشر بسیار نازک و سطحی گفته می‌شود که در اثر متلاشی شدن سنگ‌ها در زمانی بسیار زیاد و تحت‌تأثیر عوامل طبیعی تشکیل شده است. خاک، حاوی موجودات زنده و مواد آلی و بستر طبیعی برای رشد و تولید گیاهان است. خاک، اساس و زیربنای کشاورزی است و ادامه حیات و بقای انسان، حیوانات و گیاهان بدون آن ممکن نیست. استفاده از سموم و آفت‌کش‌ها و تصفیه‌کننده طبیعت است. آب و خاک از ملزومات جدایی‌ناپذیر حیات انسانی و جانوری و گیاهی است. عواملی مانند رشد شهرنشینی، ازدیاد زباله‌های شهری و صنعتی و جذب‌شدن برخی مواد شیمیایی در خاک، حفاری‌های معادن، چرای بی‌رویه دام‌ها، استفاده از سموم و آفت‌کش‌ها و مصرف بیش از حد کودهای شیمیایی به فرسایش و آلودگی خاک و تخریب سطح زمین می‌انجامد. خاک یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی هر کشوری بوده و یکی از عوامل اصلی تولید بخش کشاورزی است. به‌جرت می‌توان اذعان کرد فرسایش خاک به عنوان خطری تهدیدکننده برای حیات و رفاه انسان حال حاضر و نسل‌های آینده به شمار می‌رود. در مناطقی که فرسایش خاک کنترل و مدیریت نمی‌شود، خاک‌ها به‌تدریج فرسایش یافته و حاصلخیزی خود را از دست می‌دهند. چنانچه قابلیت نفوذ آب یا هوا در خاک، بر اثر کم‌شدن یا ازبین‌رفتن ماده آلی و تأثیر سایر عوامل کاهش یابد، خاکدانه‌ها متلاشی و از هم جدا شده و در نتیجه، ساختمان خاک متراکم می‌شود. این وضعیت در فصل مرطوب، محیط نامساعدی ایجاد می‌کند و خاک قادر نیست آب را برای فصل خشکی در خود ذخیره کند. شرایط خاک از نظر شیمیایی و بیولوژیکی بسیار نامساعد می‌شود، در چنین محیطی به‌تدریج موجودات کوچک خاکزی (میکروارگانیسم‌ها) و مواد آلی خاک از بین می‌رود. با این فعلل و انفصالات صورت‌گرفته خاک، حاصلخیزی خود را از دست می‌دهد. حاصلخیزی خاک نه‌تنها بر اثر فرسایش کاهش یافته بلکه بر اثر جاری‌شدن آیرفت‌های نامرغوب و شور و بادرفت‌های شور در سطح زمین‌های دایر نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد. همه این فعل و انفصالات، حاصلخیزی خاک را کاهش داده

و ادامه این روند بدون مدیریت بهینه، آن زمین حاصلخیز را به زمین بایر تبدیل می‌کند. در حقیقت کاهش حاصلخیزی خاک و فقیرشدن خاک بر عملکرد محصولات تولیدی بخش کشاورزی تأثیر منفی داشته و از این رو خسارت و هزینه زیادی را برای هر کشوری ایجاد خواهد کرد. به دلیل فقر خاک، نهاده‌های تولید به کار گرفته‌شده که بابت آن هزینه پرداخت شده است، بازده و عملکرد محصول کمی را به بار آورده و ارزش کاهش عملکرد ناشی از فقیرشدن خاک به دلیل فرسایش، یکی از خسارت و زیان‌هایی است که به کشاور و اقتصاد ملی وارد می‌شود. به‌طوری‌که درآمد کشاورز و ارزش تولید بخش کشاورزی را کاهش داده و از طرف دیگر به دلیل کاهش تولید داخلی، وابستگی به واردات و خروج ارز از کشور را به دنبال دارد. علاوه بر این با فرسایش خاک و جذب‌نشدن آب در خاک سفره‌های آب زیرزمینی کاهش یافته که اصلی‌ترین منبع آبیاری گیاهان در مناطق خشک است. ادامه روند فرسایش در طول زمان و به‌طور مستمر باعث خواهد شد آب و خاکی وجود نداشته باشد که یک کشاور بتواند درآمدی برای گذران ابتدایی زندگی خود داشته باشد و به‌ناچار به سایر مناطق مهاجرت می‌کند. مهاجرت، یعنی خالی‌شدن کانون‌های تولید بخش کشاورزی و ایجاد مشکلات فراوان برای روستاییان و بهره‌برداران کشاورزی مهاجر و در سطح ملی کاهش امنیت غذایی و سیاسی، به دلیل اهمیت موضوع از همین‌روست که کشورهای مختلف جهان به منظور حفظ و صیانت پایدار از خاک، پروژه‌های مختلفی تعریف و تأمین مالی آن را انجام داده‌اند. به عنوان نمونه در غرب هندوستان در منطقه کرپت، مشکل و رطوبت کافی برای تولید محصول وجود داشت. پروژه‌هایی برای نفوذ آب در خاک اجرا شده که صدردصد تأمین مالی آن از طریق دولت و از طریق پرداخت یارانه بوده است (Paul Smith, ۱۹۹۸)؛ می‌عبارتی هدفمند و براساس تحقیق و مطالعه مشکل اصلی این منطقه برای افزایش بهره‌وری تولید و از طرف دیگر حفاظت و صیانت از خاک از سوی دولت تأمین مالی شده است. به دلیل اهمیت موضوع آب و خاک در هندوستان همواره در بودجه دولت پروژه‌های مختلف مربوط به آب و خاک وجود داشته است. در سال ۲۰۱۳ بودجه تحقق یافته دولت مربوط به حفاظت از آب و خاک ۰۰۱۵، در سال ۲۰۱۴ در حدود ۰۰۱۶، در سال ۲۰۱۵ در حدود ۰۰۱۷ و در سال ۲۰۱۶ در حدود ۰۰۱۸ میلیارد روپیه هند بوده است (Gain Report Number: IN۵۰۴۳). حفاظت و صیانت از خاک برای نسل فعلی و آینده، مسئولیت حکمرانی پاسخگو در هر کشور است.